

بررسی جایگاه و کارکرد علمای عصر طاهریانِ یمن (۹۴۵ - ۸۵۸ ق)

علی غلامی فیروزجائی*

حسن مجربی**

چکیده

در عصر طاهریانِ یمن (۹۴۵ - ۸۵۸ ق)، علما به دلیل وجود تعاملات بسیار با دولت، از جایگاه و امتیازات ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. بررسی جایگاه، ویژگی‌ها و کارکردهای مختلف علمای یمن و همچنین تعامل و ارتباط میان آنان و حاکمان طاهری و اقدامات حکومت طاهری برای پیشرفت علم و ارتقای مقام علما، هدف مقاله پیش روست. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی، نقش و کارکرد علمی و سیاسی علما و روابط آنان با دربار طاهریان و فعالیت‌های مختلف این گروه و تعامل حاکمان با آنان را بررسی کرده است. نتایج نشان داد که در عصر طاهریان علما به دو طبقه درباری و مردمی تقسیم می‌شدند و هر کدام از آنها بر اساس منافع شخصی یا عمومی با حاکمان ارتباط داشتند و حاکمان نیز برای پیشرفت علم و فرهنگ به ساخت مدارس، خرید کتاب‌های مختلف و همچنین تشویق عالمان پرداخته‌اند.

واژگان کلیدی

یمن، طاهریان، علما و دانشمندان، پرتغال، بامخرمه.

*. دکتري تاريخ اسلام و مدرس گروه معارف اسلامي دانشكده علوم قرآني آمل. gh.firozjain@yahoo.com

** استاديار گروه معارف اسلامي دانشگاه علوم انتظامي امين. mojarabi398@gmail.com

تاريخ پذيرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۱

تاريخ دريافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

طرح مسئله

یکی از مباحث مهم در همه علوم از جمله حوزه علم تاریخ، بررسی جایگاه علما و دانشمندان و تعاملشان با حاکمان در طول دوره‌های مختلف تاریخی می‌باشد که نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه است، یمن^۱ در طول تاریخ از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اهمیت ویژه‌ای داشته است. دولت طاهریان نیز در یکی از مهم‌ترین دوره‌های قرون میانی و هم‌زمان با دولت ممالیک مصر، امپراتوری عثمانی و صفویه به حکومت رسید. اما با توجه به اینکه علمای این دوره - همانند بسیاری از دوره‌های تاریخی - در تحولات علمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه نقش داشته‌اند، با استفاده از جایگاه خود، وارد تعامل و ارتباط با طاهریان شدند. بنابراین ارزش و اهمیت نقش علمای یمن و بررسی جایگاه، تعامل و نقش آنان در این دوره حائز اهمیت و ضرورت می‌باشد. در باب پیشینه پژوهش نیز باید اذعان داشت که علی‌رغم اهمیت یمن و اوضاع فرهنگی و اجتماعی آن در عصر طاهریان، پژوهش منسجم و مستقلی مبتنی بر این عنوان و موضوع، انجام نشده و تنها در برخی منابع مطالب پراکنده‌ای آمده است.

تاریخ سیاسی و مراکز علمی طاهریان یمن (حک. ۹۴۵ - ۸۵۸ ق)

طاهریان^۲ در شهر جُبْن^۳ و منطقه رَداع^۱ ساکن بودند.^۲ این خاندان، در اواخر دولت رسولیان^۳ به

۱. جغرافیای یمن: یمن در جنوب غربی جزیره‌العرب واقع است که از شمال به سرزمین حجاز، از جنوب به خلیج عدن، دریای عرب و اقیانوس هند، از مغرب به دریای سرخ و از سمت مشرق به کشور عمان محدود می‌شود. (حجری یمانی، *مجموع البلدان الیمن وقبائلها*، ج ۲، ص ۷۸۶)
۲. تاریخ‌نگاران دوره طاهری همچون ابن دبیع، بامخرمه، عمادالدین ادریس بن انف (د ۸۷۲ ق) و حتی عیسی بن لطف‌الله (د ۱۰۴۸ ق) بر قریشی - اموی بودن طاهریان اعتقاد دارند. رک: (ابن دبیع، *قره العیون*، ص ۴۰۵؛ ابن دبیع، *بغیة المستفید*، ص ۱۱۷؛ ابن دبیع، *الفضل المزید*، ص ۱۲۱؛ بامخرمه، *قلادة النحر فی وفيات اعیان السدر*، ج ۶، ص ۴۳۸؛ ابن انف، *روضه الاخبار و نزهة الامصار فی حوادث الیمن الکبار و الحصون و الامصار*، ص ۶۰؛ ابن لطف‌الله، *نسخه خطی روح الروح*، برگ ۱۴) اما در مقابل برخی از تاریخ‌نویسان معاصر همچون قاضی محمد بن علی اکوع، اسماعیل بن علی اکوع، محمد احمد مقبل فیصلی و رکس اسمیت در پژوهش‌های خود به یمنی بودن خاندان طاهری و انتساب آنان به قبیله ذراحن حمیری منطقه جُبْن اذعان داشته‌اند. (ابن دبیع، *قره العیون*، پاورقی ص ۴۰۵؛ فیصلی، *تاریخ الدولة الطاهرية (۹۴۵ - ۸۵۸ ق)*، ص ۱۴ - ۱۲؛ Smith, the Tahiride sultans (858-923/1454-1517) and their historian Ibn Al- dayba, vol 29, no 1, p 144). بنابراین با توجه به اینکه منابع و مآخذ معاصر دولت طاهری، به‌طور مشخص و واضح نسب این خاندان را به قریش و بنی‌امیه رسانده‌اند، می‌توان دیدگاه این منابع را بر نظرات پژوهش‌های جدید، برتری داده و اصل و نسب طاهریان را اموی قریشی دانست.
۳. جُبْن: شهری مشهور در جنوب غربی رَداع و از مراکز سلاطین طاهری بوده است. این شهر مرقد عالمانی

جایگاه مهم و رفیعی رسیده و رابطه خویشاوندی با پادشاهان رسولیان برقرار کردند.^۴ اما ضعف و انحلال دولت رسولیان آنان را واداشت تا حکومت و تخت سلطنت را به دست بگیرند. تاریخ رسمی دولت طاهریان از سال ۸۵۸ هجری با حرکت مجاهد علی بن طاهرین معوضه (۸۵۸ - ۸۸۳ ق) و برادرش ظافر عامرین طاهر (۸۷۰ - ۸۵۸ ق) از شهر رداع به سوی عدن آغاز شد که بعد از پایداری و جنگ و گریز، مجاهد علی بن طاهر در جمعه ۲۳ رجب سال ۸۵۸ هجری وارد عدن گردید.^۵

بعد از تثبیت اوضاع در عدن، ملک مجاهد به سرعت به سوی جَبِن رفت و سربازان را جمع و به سمت تعز^۶ حرکت کرد و سپس در سال ۸۵۹ هجری بدون جنگ و خونریزی، از آنجا وارد شهر زبید شد.^۷ علی رغم سهم برابر و یکسان این دو برادر در تأسیس حکومت، ملک ظافر عامر برادر کوچک تر، بنا به خواسته مجاهد، بعد از خوانده شدن خطبه و ضرب سکه به نام وی، اولین پادشاه طاهری گردید^۸ تا اینکه در سال ۸۷۰ هجری به دست زیدیان کشته شد. با کشته شدن وی، ملک مجاهد به تنهایی حکومت بر بخش های جنوبی یمن از جمله عدن، تعز و زبید را به دست گرفت و به بازگرداندن امنیت به کشور و برخورد با شورش های داخلی قبایل همچون معازبه و آل ایوب پرداخت.^۹ او دائماً بین شهرهای عدن، تعز و زبید در حال رفت و آمد بود و با توجه به مشکلات داخلی و شورش قبایل، تلاشی جهت جنگ با زیدیان انجام نداد.^{۱۰} تا آنکه در

-
- همچون قاضی عمر بن محمد جینی و برادرش، از مشایخ بزرگ دوره ملک مجاهد و ملک ظافر اول بود. (ر.ک: بامخرمه، النسبة الى المواضع و البلدان، ج ۱، ص ۱۸۹).
۱. رداع: شهری مشهور در جنوب شرقی صنعاء که به عنوان یکی از مراکز مهم یمن در عصر طاهری بوده است. در این شهر مساجد بسیاری از دوره ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب موجود است. (ر.ک: حجری یمنی، مجموع بلدان الیمن و قبائلها، ج ۱، ص ۳۶۰).
۲. ابن دبیع، الفضل المزید، ص ۱۲۱؛ الشلی، السناء الباهر، ص ۱۶۲؛ فیصلی، تاریخ الدولة الطاهرية (۹۴۵ - ۸۵۸ ق)، ص ۱۲.
۳. دولت بنو رسول (رسولیان) توسط ملک المنصور عمر اول بن علی بن رسول در سال ۶۲۵ هجری بعد از دولت ایوبیان در یمن و با مرکزیت شهر تعز تأسیس شد که در سال ۸۵۸ هجری نیز توسط طاهریان ساقط شدند. (ر.ک: العرشی، الجيش فی الیمن فی عصر الدولة الرسولية، ص ۳۸).
۴. ابن دبیع، قرة العیون، ص ۳۹۶.
۵. همان، ص ۴۰۶ - ۴۰۵؛ ابن دبیع، الفضل المزید، ص ۱۲۱.
۶. تعز: این شهر در جنوب غربی یمن قرار دارد. (ر.ک: حجری یمنی، مجموع بلدان الیمن و قبائلها، ج ۱، ص ۱۴۵).
۷. ابن دبیع، الفضل المزید، ص ۱۲۴؛ یحیی بن الحسین، غایة الأمانی، ص ۵۸۶.
۸. ابن دبیع، الفضل المزید، ص ۱۲۷؛ یحیی بن الحسین، غایة الأمانی، ص ۵۸۹.
۹. ابن دبیع، قرة العیون، ص ۴۱۵؛ بامخرمه، قلادة النحر، ج ۶، ص ۴۶۲ - ۴۶۰.
۱۰. الضمدی، نسخه خطی العقیق الیمنی فی حوادث و وفیات المخلاف السلیمانی، برگ ۱۳۸.

ماه محرم سال ۸۷۷ هجری ملک مجاهد زمام حکومت را به دلیل بیماری به برادرزاده خود، ملک عبدالوهاب بن داوود ملقب به منصور سپرد؛ ولیکن وی مدتی بعد سلامتی‌اش را بازیافت و تا زمان وفاتش یعنی سال ۸۸۳ هجری بر یمن حکومت نمود.^۱ ملک منصور (۸۹۴ - ۸۸۳ ق) بعد از مرگ مجاهد، حکومتش را با حرکت به سمت عدن آغاز و پایه‌های حکومتش را محکم ساخت.^۲ وی در دوران حکومت خود اقدامات مهم و باارزشی از جمله تقسیم عادلانه آب‌های دشت زبید و ساخت تعدادی مدرسه و مسجد انجام داد.^۳ بعد از مرگ ملک منصور در سال ۸۹۴ هجری در شهر جُبْن، فرزندش ملک عامر بن عبدالوهاب ملقب به ظافر دوم حکومت را بر عهده گرفت. وی بزرگ‌ترین پادشاه دولت طاهری محسوب می‌شود و حکومتش (۹۲۳ - ۸۹۴ ق) از دیگر حاکمان طاهری بیشتر بود. ظافر عامر دوم حکومتش را با سرکوب شورش درون‌خاندانی و طغیان‌های قبایل آغاز نموده و توانست سلطه و قدرتش را بر تمام یمن بگستراند.^۴ تاجایی که تنها بخشی از مناطق مرکزی یمن به‌ویژه ذمار^۵ و صنعاء زیر لوای زیدیان باقی ماند. اما طولی نکشید که ظافر به سمت سرزمین‌های تحت سلطه زیدیان نیز لشکر کشید و به ترتیب در سال‌های ۸۹۵ و ۹۱۰ هجری ذمار و صنعاء را فتح کرده و زیدیان را دست‌نشانده خود در این مناطق ساخت.^۶ به این ترتیب دولت طاهریان در زمان حکومت ملک ظافر دوم به نهایت گستردگی‌اش رسید. ولی حکومت ظافر عامر دوم با پایانی تلخ روبه‌رو شد، چراکه به همراه برادرش در سال ۹۲۳ هجری توسط سربازان ممالیک مصر که برای مقابله با استعمارگران پرتغال به سمت هند راهی بودند، در دروازه‌های شهر صنعاء کشته شد.^۷ دولت طاهری بعد از مرگ وی دچار آشوب سیاسی شد، به همین دلیل برخی از پژوهشگران معاصر معتقدند که کشته شدن ملک ظافر دوم پایان دولت طاهری بوده است.^۸ اما باید گفت که بعد از او عده‌ای از پادشاهان ضعیف حکومت را در دست گرفتند و آخرین

۱. ابن دبیع، *قره العیون*، ص ۴۱۸؛ ابن دبیع، *الفضل المزیّد*، ص ۱۴۱.

۲. ابن دبیع، *قره العیون*، ص ۴۲۳.

۳. همان، ص ۴۳۰؛ ابن دبیع، *الفضل المزیّد*، ص ۱۷۲.

۴. ابن دبیع، *قره العیون*، ص ۴۳۲ - ۴۳۱؛ ابن دبیع، *الفضل المزیّد*، ص ۱۷۵ - ۱۷۳؛ بامخرمه، *النسبة إلی المواضع والبلدان*، ص ۱۸۱.

۵. ذمار: شهری در مرکز یمن و در جنوب صنعاء است. (ر.ک: *حجری یمانی*، *مجموع بلدان الیمن وقبائلها*، ج ۱، ص ۳۴۱).
۶. یحیی بن الحسین، *غایة الامانی*، ص ۶۱۸.

۷. ابن لطف‌الله، *نسخه خطی روح الروح*، برگ ۱۹ آ؛ ابن شیبان، *الوجود المملوکی فی الیمن (۹۴۵ - ۹۲۱ ق)*، ص ۱۶۶.

۸. از جمله این منابع معاصر عبارتند از: الحداد، *تاریخ الیمن السیاسی*، ص ۸۴؛ عبدالعال، *بنو رسول و بنو طاهر*، ص ۵۴۲ - ۵۴۱.

آنان نیز عامربن داوود بود که در سال ۹۴۵ هجری به دست خادم سلیمان پاشا، فرمانده لشکر سلطان سلیمان قانونی (۹۷۳ - ۹۲۶ ق) کشته شد.^۱ بدین ترتیب دولت طاهریان که بعد از مرگ ملک ظافر عامر دوم افولش آغاز شده بود به‌طور رسمی در سال ۹۴۵ هجری به پایان رسید.

اما درباره مهم‌ترین مراکز علمی یمن در عصر طاهریان باید گفت با توجه به اینکه یمن از دیرباز به حضور علم و علما مشهور بوده است، این موضوع و اهمیت آن نیز از نظر حاکمان طاهری پنهان نماند بنابراین برای رونق علم و فرهنگ به اقداماتی از جمله ساخت مدارس روی آوردند. در این میان شهرهایی که دارای رونق و شکوفایی اقتصادی بوده‌اند از لحاظ فرهنگی و علمی نیز در مرحله رشد و ترقی به‌سر برده و از شرایط قابل قبولی برخوردار بودند. چنان‌که ابن خلدون در این رابطه اشاره می‌کند: «علوم در جایی فزونی می‌یابد و حضارت به عظمت و بزرگی نایل شود که عمران توسعه پذیرد».^۲ زیرا «تعلیم دانش از جمله صنایع است و صنایع فقط در شهرهای بزرگ فزونی می‌یابد و به نسبت بیش‌و کمی عمران و میزان حضارت و وسایل تجمل و ناز و نعمت در آنها ترقی می‌کند و افزایش می‌یابد».^۳ ابن خلدون با اشاره به برخی از شهرها همچون بغداد، بصره و کوفه بیان می‌دارد که «چون در صدر اسلام عمران این شهرها توسعه یافت و حضارت در آنها مستقر شد؛ دانش در آن فزونی یافت».^۴ بنابراین می‌توان گفت مراکز علمی و تمدنی در مناطقی رونق بیشتری داشت که از وضعیت اقتصادی و عمرانی بهتری برخوردار بوده است. در عصر طاهریان نیز شهرهایی چون تعز، عدن و زبید که رونق اقتصادی مناسبی داشتند از لحاظ علمی و تمدنی نیز فعال به‌شمار می‌رفتند. به‌طوری‌که ملک منصور عبدالوهاب بن داود در شهر زبید و جُبن ساخت مدرسه منصوریه معروف به مدرسه وهابیه^۵ و تعمیر و بازسازی مسجد اشاعره را انجام داد.^۶ همچنین ملک ظافر عامربن عبدالوهاب در سال ۹۰۰ هجری مدرسه ظافریه و مدرسه شیخ اسماعیل بن ابراهیم جبرتی را بنا کرده و تلاش‌های

۱. ابن‌المفضل، *نسخه خطی السلوک الذهیبیة فی خلاصة السیرة المتوکلیة*، برگ ۴۸ ب؛ *النهر والی، البرق الیمانی*، ص ۸۰؛

ایفانوف، *الفتح العثماني للاقطار العربیة*، ص ۱۳۱؛ یحیی بن الحسین، *غایة الامانی*، ص ۶۳۹.

۲. ابن خلدون، *مقدمه*، ص ۵۴۸.

۳. همان.

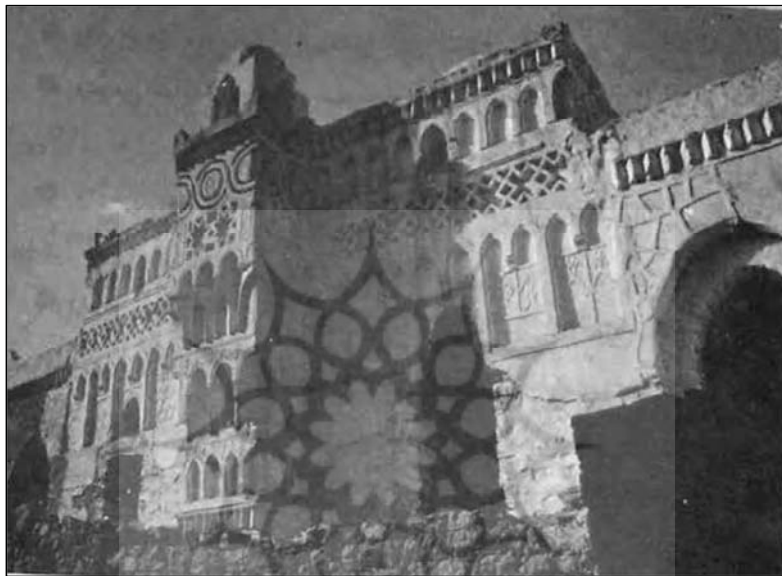
۴. همان.

۵. ابن دبیح، *الفضل المزید*، ص ۱۵۵؛ *الاکوع، المدارس الاسلامیة*، ص ۳۲۸.

۶. ابن دبیح، *بغیة المستفید*، ص ۱۷۱؛ *ضمدی، نسخه خطی العقیق الیمنی فی حوادث و فیات المخلاف السلیمانی*،

برگ ۱۴۰.

بسیاری در تعمیر مساجد و مدارس این شهر انجام داده است.^۱ وی همچنین در مدت زمان اقامت خود در این شهر دستور ساخت مدارس و مساجد و حفر رودخانه و اتصال آن به مسجد جامع زبید را به قضات و علمای زبید داد.^۲ شهر عدن نیز در عصر طاهری نقش مهمی در رونق اقتصادی یمن داشت و حاکمان یمن با توجه به پیشرفت و رونق بالای اقتصادی عدن در عصر طاهری، توجه زیادی به امور فرهنگی و علمی آن نیز داشتند؛ چنان که مدرسه سفینیه از مدرسی است که در عصر طاهریان در عدن و توسط شیخ علی ابن سفیان^۳ بنا شد.^۴ همچنین در این دوران، حاکمان توجه و اهتمام زیادی به رونق علمی شهر تعز داشتند و به همین دلیل مدارس زیادی را در این شهر ساختند. چنان که در عهد مجاهد علی بن طاهر مدرسه‌ای در تعز بنا شد و همچنین ملک منصور عبدالوهاب بن داود نیز مسجد جامع عُدَیْنَه در تعز را توسعه داده و مدرسه عامریه را در این شهر بنا کرد.^۵



۶ مدرسه منصوریه در جین

۱. ابن دبیع، *قرّة العیون*، ص ۴۷۰.
۲. ابن دبیع، *بغیة المستفید*، ص ۱۷۹ - ۱۷۸.
۳. شیخ علی بن سفیان قبل از به حکومت رسیدن علی بن طاهر و تأسیس دولت با او همراه و هم نشین بوده و بعد از تأسیس دولت نیز وی یکی از بزرگان دربار حکومت طاهری به حساب می‌آمد. ر.ک: (ابن دبیع، *بغیة المستفید*، ص ۱۴۱؛ *بامخرمه، قلادة النحر*، ج ۶، ص ۴۴۳).
۴. *الاکوع، المدارس الاسلامیة*، ص ۳۳۶.
۵. ابن دبیع، *الفضل المزید*، ص ۱۷۲ - ۱۵۰ و ۳۷۲؛ ابن دبیع، *بغیة المستفید*، ص ۱۷۹.
۶. *الاکوع، المدارس الاسلامیة*، ص ۳۳۲.

جایگاه علما و تعامل آنان با حاکمان طاهری

علما، دانشمندان و قضات، این صاحبان علم، فن و کتاب از طبقات اجتماعی معروف یمن در این دوره محسوب می‌شدند. افراد این طبقه با توجه به جایگاه والای دینی و علمی، از مقام و منصب مهمی نیز در جامعه و در نزد حاکم طاهری برخوردار بودند که همین امر موجب می‌شد تا از پرداخت خراج اراضی و مالیات‌های مختلف معاف شوند و حتی شفاعت آنها نیز مورد پذیرش حاکم قرار می‌گرفت.^۱

می‌توان گفت در دوره طاهریان روابط نزدیک و حسنه‌ای بین عمده حاکمان طاهری همچون ملک مجاهد و ملک ظافر عامرین عبدالوهاب و عالمان و دانشمندان وجود داشت و با توجه به علاقه بسیار این حاکمان به علم و فرهنگ، از طریق اهدای هدایا به علما و نویسندگان و همچنین برگزاری جشن و شادی به مناسبت تألیف کتاب، از این طبقه خاص قدردانی می‌کردند. با این مقدمه کوتاه می‌توان علما و دانشمندان عصر طاهری را به دو دسته تقسیم نمود:

علمای مردمی: در این دسته، گروهی از علما و فقها بودند که با بکار گرفتن همه توان خود، کوشیده‌اند تا بنا به شرایط جامعه و مردم، نیازهای فرهنگی و اجتماعی ایده‌آل آنان را برآورده نمایند، تا از این طریق موجب آرامش و آسایش مردم و لرزش حکومت حاکمان ظالم گردند. انس و الفت این علما با مردم و خواسته‌های آنان و آشکار ساختن حقایق جامعه و حکومت، مؤثرترین داروی روانی برای آگاهی مردم در برابر حکام ستمگر به‌شمار می‌آمد. این گروه در تلاش بودند تا بتوانند با امری‌معروف و نهی‌ازمنکر جلوی فساد حاکمان یمنی را بگیرند. می‌توان گفت این دسته از علما هیچ‌گونه پاداش و هدیه‌ای را - که از طریق حاکم به آنها داده می‌شد - نیز نمی‌پذیرفتند. هرچند حاکمان طاهری تلاش بسیاری می‌کردند تا با شرکت کردن در برخی از کلاس‌های علمی، احترام گذاشتن و واگذاری مناصب مختلف به آنان تا حدی از مردمی بودن و مخالفتشان با حکومت بکاهند. از جمله این علما، قاضی فقیه احمد بن ابی‌بکر ناشری (د ۸۱۵ ق) بوده است که اقدامات غیرقانونی سلطان رسولی را نقد می‌کرد و زمانی که زمام قضاوت شهر زبید را برعهده گرفت، بسیار جانب حق و عدالت بوده و از خدمت به سلطان دوری می‌نمود.^۲ این نحوه برخورد بین علما و دستگاه حکومت در عصر طاهری نیز حکم‌فرما بوده است. چنان‌که امام ابوطیب عبدالله بن احمد بن علی بامخرمه (د ۹۰۳ ق) در تعاملش با دولتمردان و امیران دولت طاهری

۱. الجندی، السلوک فی طبقات العلماء والملوک، ج ۱، ص ۲۹۹.

۲. ابن دبیع، الفضل المزید، ص ۳۷۳؛ یحیی بن الحسین، غایة الامانی، ص ۶۳۹.

همین گونه رفتار می کرد. وی برخی اقدامات ملک مجاهد علی بن طاهر دومین امیر طاهری را شدیداً نقد می کرد و زمانی که برای همراه ساختن او با حکومت، مقام قضاوت شهر عدن به وی واگذار شد، علی رغم بیزاری، آن را بر عهده گرفت؛ ولیکن در اقامه عدل و تلاش در اعاده حق، جلوگیری از ظلم امرا و وزرا و مجازاتشان و همچنین برقراری بهتر و کامل تر احکام دین و شرع در میان آنان تلاش بسیار نمود^۱ تا حدی که ملک مجاهد نیز به او احترام بسیاری گذاشته، دستوراتش را انجام داده و با ادب و احترام با وی رفتار می نمود.^۲

قاضی فقیه عبدالله بن محمد بن حسن عُبَیْن (د ۹۰۸ - ۹۰۷ ق) از دیگر عالمان مشهور عصر طاهری بود که می توان به آن اشاره نمود. او بسیار سخت گیر و در فهم و بیان واجبات از زمره بزرگان بود و در تہذیب ملوک و امرا به امر به معروف و نهی از منکر و برخورد با آنان در مورد خطاهایی که از آنان سر می زد، هراسی نداشت؛ چنانچه هیبت سلطان باعث نمی شد که او به نزد حاکم نرود و او را امر ونهی نکند.^۳ حتی در معامله ای که سلطان با تاجر انجام می داد و کار به اختلاف می افتاد وی با انصاف و شرع حکم کرده و در صورت وجود حق برای تاجر، آن را از حاکم و امیر ظالم می ستاند.^۴

درباره جایگاه والای این علما و اهمیت دینی آنان باید افزود که بعد از شروع قرن دهم هجری، بازرگانان پرتغالی، تجارت با اقیانوس هند را آغاز کرده بودند؛ همین امر موجب شد تا حجم تجارت دولت طاهری کاهش یابد و ظرفیت های اقتصادی آنها با مشکل مواجه شود؛^۵ بنابراین ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب طاهری در سال ۹۱۸ هجری با توجه به اینکه در پرداخت حقوق کارکنان خود ناتوان شده بود، درخواست اموال اوقاف و برخی از زمین های علما را نمود؛ در نتیجه این اقدام، فقها و علما وی را نفرین کردند. چنان که به روایت منابع، پنج سال بعد از این حوادث، ملک ظافر در جنگ با ممالیک کشته شد که این نتیجه دست اندازی به وقف و استفاده

۱. عیدروس، النور السافر، ص ۳۰۲.

۲. همان، ص ۳۰۲ - ۳۰۱.

۳. الشلی، السناء البامر، ص ۵۴.

۴. همان، ص ۷۸؛ همان، ص ۵۶ - ۵۴.

۵. با توجه به اینکه پرتغالی ها برای دستیابی به موقعیت بازرگانی و سوق الجیشی جدید به شرق آمده بودند، از نقش مهم و حیاتی یمن و بنادر آن همچون بندر عدن و تنگه باب المندب به عنوان یکی از شاهراه های اقتصادی دنیا آگاهی یافته و به این دلیل مشکلاتی برای اقتصاد یمن ایجاد کردند. به همین خاطر، از آن به عنوان جبل الطارق - دریای سرخ - و ثغر یمن یا عین الیمن یاد کردند. (ر.ک: عمشوش، عدن فی کتابات الرحالة الفرنسیین، ص ۱۸۳).

ظالمانه حاکم از آن بود.^۱ بعد از مرگ وی و با پیشروی پرتغالی‌ها - که تأثیر داخلی و خارجی منفی روی یمن گذاشتند - تنها کاری که از دست حاکم طاهری برآمد آن بود که نیمی از غلاتی که جزء موقوفه‌ها به‌شمار می‌آمدند را به‌عنوان بهای بدهی‌هایش بپردازد. بدین ترتیب علما، فقها و کارگزاران امور موقوفه دچار کمبود شدیدی شده و خسارت فراوانی به آنها وارد آمد در نتیجه این بی‌احترامی‌ها به علما، پس از مدت کوتاهی حکومت طاهریان متزلزل شده و سرانجام در سال ۹۴۵ هجری با حمله عثمانی‌ها سقوط کرد.^۲ در واقع می‌توان بی‌درایتی حاکمان طاهری در مناسباتشان با علما و عدم برخورد صحیح با آنان را یکی از دلایل اصلی نابودی حکومت طاهری قلمداد نمود، چراکه حاکمان می‌توانستند با برخورد مناسب با علما و فقها، از نیرو و کمک‌های معنوی، مادی و نظامی آنان برای دفاع از کشور بهره‌مند شوند.

علمای درباری - مردمی: این دسته از عالمان اجازه حضوری فعال در دربار حاکمان و سلاطین طاهری را داشته‌اند. آنان در این رفت‌وآمدها به دربار، هم طرفدار مردم بودند و هم حاکم. حضور این عالمان در دربار باعث رسیدن خیر و منفعت بیشتر به مردم می‌شد، آنها با اندرزها و نصیحت‌های خود به حاکمان، آنها را از غفلت و بی‌خبری نسبت به دین، جامعه و مردم آگاه می‌کردند و همین امر موجب می‌شد تا شر سلطان نسبت به مردم کمتر شود. در این دسته، افرادی از جمله ادبا و شعرا نیز حضور داشتند که هدایایی از حاکم می‌گرفتند تا در اشعار خود به مدح و ستایش آنان بپردازند. از جمله علمای صاحب نظری که با سلاطین طاهری هم‌نشینی داشت، موفق‌الدین علی‌بن احمد ناشری (د ۸۸۶ ق)، قاضی زبید بود. میان او و ملک عبدالوهاب بن داوود (منصور) (د ۸۹۴ ق) و فرزندش ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب طاهری (د ۹۲۳ ق) هم‌نشینی و ملازمت و محبت بسیاری وجود داشت. چنان‌که مورخ معاصر این دوره یعنی بامخرمه گفته است میان آنها اتحاد و پیمان عظیمی برقرار بوده و محبت ظافر عامر دوم نسبت به او محبتی بسیار بود.^۳

همچنین می‌توان از فقیه بدرالدین حسن بن عبدالرحمن صباحی (د ۸۹۸ ق) یاد کرد. کسی که به بسیاری از علمای زبید در علوم شرعی و عقلی علم آموخت، سپس برای فتوا به تعز فرستاده شد؛ او با این وجود شاعری خوش قریحه نیز بود، چنان‌که در مدح ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب طاهری

۱. شرحی زبیدی، طبقات الخواص اهل الصدق الاخلاص، ص ۹۲.

۲. یحیی بن الحسین، غایة الامانی، ص ۶۳۹.

۳. بامخرمه، قلادة النحر، ج ۶ ص ۴۷۲.

اشعاری سرود، به همین خاطر حاکم به وی طلا هدیه داد و این امر موجب شد تا او از فتوا و تدریس دست کشیده و وارد دربار طاهری شود.^۱

نقش علمای عصر طاهری در جنگ‌های خارجی

علمای امت در تمام دوره‌های اسلامی بر این امر اجماع داشتند که هرگاه مرز و سرحدات یک کشور اسلامی مورد تجاوز قرار بگیرد یا حقوق آنان پایمال شود، بر همگان واجب است با هر وسیله‌ای از آن دفاع نمایند. باید گفت که با اتمام دوره فتوحات و همچنین جنگ‌های صلیبی، جهاد دفاعی برای مدت‌ها متوقف شده بود، ولی در قرن نهم و دهم هجری به دلیل اینکه سرزمین‌های اسلامی از جمله یمن مورد حمله بسیاری از دشمنان اسلام همچون کشور استعمارگر پرتغال قرار گرفت، جهاد دفاعی لازم آمد. بنابراین فقها و علمای یمن ایستادگی - به‌عنوان تنها راه حصول انگیزه‌های جهاد - و دست‌یابی به آرمان‌های آن را بر خود وظیفه دانستند.

اما باید گفت که نخستین حرکت و نقش سیاسی - نظامی علما و فقهای یمن در عصر طاهریان، به دوران حکومت ملک ظافر عامرین عبدالوهاب برمی‌گردد؛ زمانی که کشور استعمارگر پرتغال در کنار سواحل شهرهای هند همچون کالیکوت (قالیقوت) و ملیبار،^۲ خلیج فارس و شاخ آفریقا در آغاز قرن دهم هجری - شانزدهم میلادی - چشم به سواحل یمنی داشت. پس از فتح هند توسط آلفونسو آلبوکرک، راه‌های دریانوردی مناطق شبه‌جزیره عربستان از جمله یمن، مورد تهدید قرار گرفت، چنان‌که در سال ۹۱۳ هجری و در دوره حکومت ملک ظافر عامرین عبدالوهاب طاهری، آلفونسو جزیره سقطری^۳ را اشغال کرد تا آن را پایگاهی برای حرکت کشتی‌های خودی در جهت تکمیل تسلط خود بر ورودی دریای سرخ و بستن راه بر کاروان‌های تجاری در خلیج عدن قرار دهد.^۴ این امر سبب درگیری میان آنها و اهالی این جزیره گردید و بعد از شهادت و قتل حاکم جزیره یعنی مه‌ری عامرین طوعری بن عفریر به همراه ۲۱۷ نفر از

۱. همان، ص ۴۸۶؛ بری‌هی، *طبقات صلحاء اليمن*، ص ۲۵۰ - ۲۴۹.
۲. مملکتی پهناور در هندوستان و دارای شهر و روستاهای بسیار بوده است. درخت فلفل در آن ولایت می‌روید؛ چنانچه فلفل آن را از شرق به غرب حمل می‌کردند. (ر.ک: قزوینی، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ص ۱۷۶ - ۱۷۵)
۳. جزیره سقطری: این جزیره در بخش جنوبی دریای عمان واقع شده بود و از سمت شمال و غرب به سرزمین یمن متصل می‌شد و از توابع یمن است. جزیره مذکور دارای چندین شهر و روستا بوده و برخی از ساکنان آن نیز مسیحی بودند. (ر.ک: همدانی، *صفة جزيرة العرب*، ص ۹۳؛ ابوالفداء، *تقسیم البلدان*، ص ۴۲۴)
۴. موسی، *الهیجوم البرتغالی علی عدن: قراءة من خلال مذكرات الفونسو دا البوکرک*، *مجلة اليمن*، ص ۱۲۵.

یارانش، این جزیره توسط پرتغالی‌ها اشغال شد.^۱ اگرچه منابع موجود اشاره‌ای به وجود علما و فقها در میان این اهالی نکرده‌اند ولی آنچه که شکی در آن نیست این است که علما در جمع این اهالی حضور داشته‌اند ولیکن منطقی است که در این جنگ حضور مردمان دیگر جزیره از علما چشمگیرتر بوده باشد. به نظر می‌رسد مقاومت و ایستادگی شدید اهالی (علی‌رغم کشته شدن حاکم سقطری به همراه ۲۱۷ تن از یارانش) در کنار عوامل دیگری مانند موقعیت جزیره و طبیعت جغرافیایی آن سبب شد که پرتغالی‌ها به عقب‌نشینی اقدام نمایند. چنان‌که در اواخر سال ۹۱۶ و اوایل ۹۱۷ هجری در نتیجه دلاورمردی جبهه مقاومت اسلامی به فرماندهی خمیس، عمر و پسران سعدبن زویدی به‌ناچار از آن خارج شدند.^۲ اما در ادامه، پرتغالی‌ها بار دیگر به فرماندهی آلفونسو آلبوکرک تصمیم گرفتند در آغاز سال ۹۱۹ هجری و در اواخر دوره حکومت ملک ظافر عامربن عبدالوهاب وارد عدن شده و شهر را تصاحب کنند ولی حاکم شهر، امیر مرجان ظافری - که از طرف دولت طاهری بر آنجا حکومت داشت - از این امر اطلاع یافته و با علما و فقه‌های شهر برای دفاع از عدن متحد و هم‌صدا شد و عهد بستند که برای دفاع از کشور، از جان و مال خود بگذرند. نقشه آنها برای دفاع، بستن درهای شهر و عدم مبادرت به هر نوع عمل دفاعی تا زمانی که پرتغالی‌ها حمله را آغاز نکرده‌اند، بود اما پرتغالی‌ها به شهر حمله کرده و حتی بسیاری از آنها توانستند بعد از عبور از دیوارها، وارد شهر شوند. در این زمان ملک ظافر عامربن عبدالوهاب در شهر زبید به سر می‌برد و دستور به نفرین پرتغالی‌ها در نمازهای پنج‌گانه و نماز جمعه و همچنین دعا برای مجاهدین در مسجد اشاعره و مصلی‌ها داد. دلاوری و شجاعت‌های زیادی که همگی در دفاع از شهر نشان دادند، پیروزی بر پرتغالی‌ها و شکست آنها را با خود به همراه آورد.^۳ فقیه، محدث، عالم و مورخ بزرگ این دوران یعنی، أبو محمد الطیب‌بن عبدالله بن أحمد بامخرمه (د ۹۴۷ ق) که یکی از شاهدان و شرکت‌کنندگان در این جنگ بود، روایت می‌کند که برخی از فقها و علما همچون عبدالله بن حسین قلهانی شاهد قتل تعدادی (۹ نفر) پرتغالی بود که برای ورود به شهر تلاش می‌کردند.^۴ بنابراین می‌توان گفت علما و فقها حضور فیزیکی فعالی در این جنگ‌ها داشته‌اند.

۱. بافقیه، تاریخ الشجر، ص ۸۲؛ بامطرف، الشهداء السبعة، ص ۴۶؛ ابن شیبان، الوجود المملوکی فی الیمن، ص ۶۶.

۲. سنبل، تاریخ سنبل، ص ۲۵۰ - ۲۴۶؛ بامطرف، الشهداء السبعة، ص ۴۶.

۳. ابن دبیب، قرة العیون، ص ۴۵۸ - ۴۵۷؛ ابن دبیب، الفضل المزید، ص ۳۴۵؛ بافقیه، تاریخ الشجر، ص ۱۰۲.

۴. بامخرمه، قلادة النحر، ج ۶ ص ۵۶۷.

در سال ۹۲۹ هجری یعنی شش سال بعد از قتل ملک ظافر عامرین عبدالوهاب، ارتش پرتغالی‌ها، شامل ۷ کشتی و ۴۰۰ جنگجو، به کرانه الشحر در ساحل حضرموت حمله بردند. حاکم الشحر، مطران بن منصور مردی دلیر و شجاع بود؛ او از زمان حکومتش، به نیابت از حاکمان طاهری و به همراه فقها، علما و تجار شهر، در اداره آن مشارکت داشت و هنگامی که از حضور پرتغالی‌ها مطلع شد، توسط معاونانش حاکم را به این امر آگاه کرده و تصمیم گرفتند در برابر آنها ایستادگی و برای دفاع از سرزمین‌شان در راه خدا جهاد کنند. بزرگ‌ترین حامیان او در این راه شش نفر بودند که سه نفر از آنها یعنی یعقوب بن صالح الحریضی، احمد بن رضوان و برادرش فضل از بزرگان، علما و فقهای شهر محسوب می‌شدند. در این جنگ امیر مطران بن منصور به همراه آن شش نفر کشته و در یک مکان نیز دفن شدند که به نام مزار شهدای هفتگانه (الشهداء السبعة) نامیده شده و در کنار اینان نیز بسیاری از مدافعین شهر که گفته می‌شود تعدادشان به ۷۰۰ تن می‌رسید نیز جان خود را از دست دادند. با این وجود پرتغالی‌ها به سبب رسیدن نیروی کمکی برای یمنی‌ها نتوانستند شهر را اشغال کنند؛ بنابراین مجبور به عقب‌نشینی شدند.^۱ از دیگر شهدای مشهور این جنگ، فقیه و عالم بزرگ امام احمد بن عبدالله بن عبدالرحمن بافضل (د ۹۲۹ ق) بود که برخی از مورخین در مورد وی نوشته‌اند: «همچون پهلوانان جنگید و در حملاتش کوبنده بود.»^۲ این عالم و فقیه بزرگ انسانی شریف، بخشنده و کثیرالصدق، نیکوکار، دوستدار صالحین و فقرا بود و در اطاعت از خداوند و عبادت دقیق بود تا اینکه شهید شد.^۳ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عالمان و فقهای یمن در عصر طاهری در مواقعی که بحث دفاع از کشور و دین اسلام در مقابل خطرهای خارجی و دشمنان اسلام به میان می‌آمد، حضوری فعال در این حوزه داشتند اما در بیشتر درگیری‌های داخلی بین قبایل یمن، درگیری‌های درون‌خاندانی و یا حتی برخوردهای دولت با زیدیان، آن‌چنان دخالت مستقیمی نداشته‌اند.

حاکمان طاهری و توجه به علم و علما

حاکمان طاهری تلاش‌های بسیاری برای تحول و رونق در امر فرهنگ و تمدن انجام دادند که از مهم‌ترین آن‌ها ساخت و بنای مدارس و مساجد متعددی در سرزمین یمن بود که به آن اشاره شد.

۱. بافقیه، تاریخ الشحر، ص ۱۵۷؛ بامطرف، الشهداء السبعة، ص ۷۹ - ۶۵.

۲. همان، ص ۷۶.

۳. عیدروس، النور السافر، ص ۱۹۳؛ الشلی، السناء الباهر، ص ۲۰۱.

اما باید افزود، نقش حاکمان طاهری تنها محدود به ساخت مدارس، مساجد و توجه به علمای این دوره ختم نمی‌شد، بلکه کتاب‌های علمی بسیاری را تهیه کرده و مبالغ زیادی را جهت خرید و تکثیر آن کتاب‌ها هزینه می‌کردند. همچنین علما و فقهای داخل و خارج یمن را بزرگ داشته و از آنان قدردانی می‌نمودند. آنچه این موضوع را اثبات می‌کند، خرید کتاب ۱۴ جلدی *الخدام زرکشی*^۱ توسط ملک ظافر عامربن عبدالوهاب است. سلطان این کتاب را به قیمت ۹۰ دینار طلا از مکه خریداری کرد. این کتاب به دستور ملک ظافر با هزینه بسیار و در تیراژهای زیادی تکثیر شده و در اختیار علما و دانشمندان یمن قرار گرفت.^۲

همچنین در سال ۹۰۱ هجری برخی از تاجران یمنی که به مکه مسافرت کردند، کتاب *فتح الباری لشرح البخاری* تألیف شهاب‌الدین بن حَجَر عَسْقَلانی (۸۵۲ - ۷۷۳ ق) را به قیمت بالایی برای ملک ظافر عامربن عبدالوهاب خریداری کردند.^۳ همچنین شیخ‌الاسلام ابی‌السعود ابراهیم بن ظَهیر قاضی شافعی مذهب مکه در سال ۹۰۲ هجری کتاب *صحیح بخاری* را به ملک ظافر عامربن عبدالوهاب هدیه داد و سلطان نیز در مقابل برای تقدیر از وی به او کمک کرد تا در منطقه رباط البعدانی مکه اقامت کند.^۴

در همین راستا، حاکمان طاهری به تولید علمی دانشمندان و فقهای یمن نیز توجه ویژه داشتند. به طوری که فقیه تقی‌الدین حمزه بن عبدالله ناشری در سال ۹۱۶ هجری کتاب خود یعنی «*نتهاز الفرص فی الصيد و القفص*» را به نام ملک ظافر عامربن عبدالوهاب تألیف کرد.^۵ از جمله دلایلی که جایگاه والای علما و توجه دولت طاهری به علم و دانشمندان را نشان می‌دهد این بود که مسئولیت قضاوت در برخی از شهرهای مهم یمن در این دوران بر عهده این عالمان واگذار می‌شد. چنانچه جمال‌الدین محمد بن احمد باحمیش از زمان تأسیس دولت طاهریان - سال ۸۵۸ هجری - تا زمان وفاتش در سال ۸۶۲ هجری در شهر عدن متولی منصب قضا بود.^۶

۱. أبو عبدالله بدرالدین محمد بن عبدالله بن بهادر زرکشی شافعی (۷۹۴ - ۷۴۵ هـ ق) که کتاب *الخدام وی* در حوزه فقه و اصول بوده است. (عسقلانی، *إنباء العُمر بانباء العُمر*، ج ۱، ص ۴۴۶).

۲. ابن دبیع، *بغیة المستفید*، ص ۲۰۸؛ ابن دبیع، *الفضل المزید*، ص ۱۹۶؛ ابن دبیع، *قره العیون*، ص ۴۴۰؛ *بامخرمه، فلاة النحر*، ج ۶، ص ۵۲۰.

۳. بافقیه، *تاریخ الشحر*، ص ۱۸؛ ابن لطف‌الله، *نسخه خطی روح الروح*، برگ ۴ ب؛ کبسی، *اللطف السنیة*، ص ۱۹۲. ۴. ابن دبیع، *الفضل المزید*، ص ۲۳۵.

۵. همان، ص ۳۲۱؛ ابن لطف‌الله، *نسخه خطی روح الروح*، برگ ۸ ب - ۹. ۶. بریهی، *طبقات صلحاء الیمن*، ص ۳۳۳؛ ابن دبیع، *الفضل المزید*، ص ۱۲۶.

فقیه جمال‌الدین محمدبن محمد نظاری (د ۹۲۱ ق) نیز یکی از بزرگان و فقها و قضات مطرح یمن در زمان ملک ظافر عامربن عبدالوهاب بود.^۱

حاکمان طاهری به جهت احترام و بزرگداشت علما و فقها، به آراء و پیشنهادات ارائه شده آنان نیز جهت حل مشکلات مردم مانند ساخت سد یا تعمیر آن، حفر چاه، ساخت مساجد و غیره توجه می‌کردند. چنانچه می‌توان به درخواست علما و فقهای شهر تَریم از ملک ظافر عامربن عبدالوهاب مبنی بر بازسازی رودخانه و تعمیر سدها، حفر چاه و صرف هزینه زیاد برای این امر - که موجب رونق کشاورزی این شهر می‌شد - اشاره نمود که با پاسخ مثبت حاکم طاهری نیز همراه شد.^۲ اما باید افزود که نقش علما تنها به این جایگاه، مقام و احترام محدود نمی‌شد، بلکه به برخی از آنان مسئولیت‌هایی مرتبط با اداره امور کشور محول می‌گردید. مانند فقیه بدرالدین حسن بن عبدالرحمن صباحی که در علم حساب، جبر، نحو و شعر توانا بود و عنوان مفتی شهر تعز در زمان ملک ظافر عامربن عبدالوهاب به او داده شد. او با ملک ظافر ارتباط عمیقی داشته و تا زمان وفاتش یعنی سال ۸۹۸ هجری در این سمت بود.^۳

حاکمان طاهری نسبت به علما و آثار علمی آنان توجه ویژه داشتند، به طوری که در جلسات آنان که در مسجد برگزار می‌شد، شرکت می‌کردند. مانند ملک منصور عبدالوهاب بن داود، که در جلسات استماع کتاب *شفاء* تألیف قاضی عیاض در دار الکبیر ناصری واقع در زَیید شرکت می‌کرد.^۴ باید افزود که حاکمان و امیران طاهری بعد از رسیدن به منصب و تاج و تخت از نشستن در کنار علمای توانمند دوری نمی‌کردند. چنان که حاکمان طاهری به خاطر استفاده از علم علما و یا برای نشان دادن علم‌دوستی خود و علاقه به آنان، به نشستن در کنار آنان مشتاق بودند. ملک مجاهد علی بن طاهر وقتی فقیه احمدبن عبدالله بلعس یافعی (ت ۹۱۰ ق) به قصر دارالسعادة^۵ عدن آمد در کنار او نشست و تا به هنگام نماز عصر به خواندن حدیث مشغول شد؛^۶ یا زمانی که

۱. بافقیه، *تاریخ الشعر*، ص ۱۰۸.

۲. الشلی، *السناء الباهر*، ص ۲۱۲.

۳. ابن دبیح، *الفضل المزید*، ص ۱۸۹ - ۱۸۸.

۴. همان، ص ۱۶۷.

۵. دارالسعادة: از قصرها و بناهایی است که سیف الاسلام ظنکین ابن ایوب روبه‌روی ساحل عدن بنا کرد و سپس در دوره بنوطاهر توسط ملک ظافر اول و سپس به وسیله ملک منصور و عملک ظافر دوم بر وسعت آن افزوده شد. (ر.ک: بامخرمه، *تاریخ نجر عدن*، قسمت نخست، ص ۱۱ - ۱۰).

۶. بامخرمه، *قلادة النحر*، ج ۶ ص ۵۴۰.

مورخ عبدالرحمن بن علی بن دبیع شیبانی (د ۹۴۴ ق) بعد از اینکه کتاب خود به نام *بغیة المستفید فی اخبار مدینه زبید* را تألیف نمود و به ملک ظافر عامر بن عبدالوهاب طاهری تقدیم کرد حاکم طاهری، این مورخ را به حضور خود دعوت کرده و درباره برخی از موارد کتاب به مناظره و مناقشه پرداختند و همین امر موجب شد تا ابن دبیع به تألیف کتابی به نام *العقد الباهر فی تاریخ دولة بنی طاهر تشویق و تحریک شود* و زمانی که ملک ظافر از تألیف این کتاب جدید آگاه شد، پادشاه و هدایای زیادی به ابن دبیع داد. چنان که ابن دبیع نیز در این مورد می گوید: «درباره این تاریخ (دولت) مطالب بسیاری را جمع آوری نمودم و آن را به سرورمان ملک عامر که در آن زمان در قلعه مقرانه^۱ مقیم بودند تقدیم کردم و پادشاه بسیاری دریافت نمودم، او همچون ابر باران را مواهب و لطف و کرم خود را بر من فرو ریزاند؛ همچنان در بوستان وی بودم و از جود و بخشش وی سرشار، تا اینکه اذن فرمودند به وطن خود بازگردم و خلعت گران قیمتی را بر من اعطا کردند و یک خانه سلطانی در شهر زبید برای اقامت بنده و قطعه‌ای نخلستان نیز در دشت زبید به من اعطا کردند».^۲ این امر نشان می دهد که حاکمان طاهری برای عالمان و دانشمندان عصر خود ارزش و احترام زیادی قائل می شدند و هدایای گران قیمتی را نیز به آنان اهدا می کردند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که حاکمان طاهری به پاس نقش غیرقابل انکار علما و فقها در طول دوره سیاسی و علمی طاهریان، بعد از وفات این علما در تشییع پیکر آنها نیز شرکت کرده و برای آنها مراسم عزاداری برگزار می کردند. چنانچه ملک مجاهد علی بن طاهر دومین امیر طاهری بعد از مرگ شیخ شهاب الدین احمد بن محمد بن افلح (د ۸۶۰ ق) بر جنازه وی در مسجد جامع بزرگ شهر زبید نماز گذارد و مقابل جنازه او راه رفت و بعد از آنکه مراسم عزای او به پا داشت، به یکی از قاریان شهر یعنی علی بن سفیان (والی شهر زبید) دستور داد برای او مراسم ختمی برپا کند.^۳

موارد فوق نشان از توجه ویژه حاکمان طاهری به عالمان دارد که همین امر موجب تشویق دانشمندان شهرهای مختلف یمن و رونق علمی و فرهنگی یمن گردید.

۱. مقرانه تقریباً در جنوب شرقی یمن واقع است. فارتیما، جهانگرد عصر طاهریان درباره این شهر می گوید: «شهر مقرانه مملو از آذوقه و آب بود و هر چیزی که به ذهن آدم می رسید در آن پیدا می شد». (ر.ک: فارتیما، رحلات فارتیما، ص ۷۸)

۲. ابن دبیع، *بغیة المستفید*، ص ۲۲۶ - ۲۲۵.

۳. ابن دبیع، *قررة العیون*، ص ۴۰۹؛ بریهی، *طبقات صلحاء الیمن*، ص ۳۱۴.

نتیجه

دولت طاهری علی‌رغم اینکه قدرت دولت‌های قبل را نداشت، ولی با این وجود تلاش نمود تا در شهرهای مختلف یمن، مراکز علمی و فرهنگی متعددی همچون مدارس و مساجد بنا نموده و کتاب‌ها و زمین‌هایی را وقف امور آموزشی و علمی نماید. اینان حتی با نشان دادن علاقه خود به علما و آثار علمی‌شان موجب تشویق و مهاجرت عالمان متعدد شهرهای مختلف یمن به مراکز فرهنگی این سرزمین می‌شدند، چرا که حاکمان طاهری با در اختیار نهادن مشاغل مهمی چون قضاوت و همچنین برگزاری جشن‌های فرهنگی به مناسبت تألیف کتاب جدید، جایگاه والایی به این علما می‌دادند. این امر موجب ظهور دانشمندان و عالمان بسیاری در یمن و اهتمامشان به حکومت شده بود، چنان‌که در جنگ‌های سیاسی و خارجی مانند دفاع در برابر حمله و نفوذ کشور استعمارگر پرتغال، نقش مهمی ایفا نموده‌اند. حاکمان طاهری به پاس نقش غیرقابل انکار علما و فقها در طول این دوران، حتی بعد از وفات این علما نیز در تشییع پیکر آنها شرکت می‌کردند. از دیگر نتایج حاصل از این مقاله آن است که علمای این دوران علی‌رغم تقسیم‌بندی‌شان به دو گروه علمای درباری و مردمی، همه تلاششان را جهت برقراری آرامش سیاسی و اقتصادی مردم، جلوگیری از ظلم و ستم حاکمان و امیران و همچنین امر به معروف و نهی از منکر این افراد انجام می‌دادند. بنابراین باید گفت عالمان و دانشمندان در این دوره نقش مهمی در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی ایفا نموده‌اند.

منابع و مأخذ

۱. ابن المفضل، محمد بن ابراهیم بن شرف‌الدین، *نسخه خطی السلوک الذهبية فی خلاصة السيرة المتوكلية*، صورة مخطوط مأخوذة من مكتبة جامعة تورنتو (نسخه‌های خطی در اختیار بنده قرار دارد و مورد استفاده قرار گرفت).
۲. ابن انف، عمادالدین ادریس، *روضه الاخبار و نزهة الامصار فی حوادث الیمن الکبار و الحصون و الامصار*، تحقیق محمد بن علی اکوع الحوالی حمیری، صنعاء، دارالمعرفة للطباعة و النشر، ۱۹۹۵ م.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه، تصحیح خلیل شحاده، مراجعه سهیل ذکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.

بررسی جایگاه و کارکرد علمای عصر طاهریانِ یمن (۹۴۵ - ۸۵۸ ق) □ ۶۹

۴. ابن دبیع شیبانی، عبدالرحمن بن علی، *الفضل المزیّد علی بُغیة المستفید فی اخبار مدینة زبید*، تحقیق یوسف شلحد، صنعاء، مرکز الدراسات و البحوث الیمنی، بیروت، دارالعودة، ۱۹۸۳ م.
۵. ابن دبیع شیبانی، عبدالرحمن بن علی، *بغیة المستفید فی تاریخ مدینة زبید*، تحقیق عبدالله محمد الحبشی، صنعاء، مرکز الدراسات و البحوث الیمنی، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ق / ۲۰۰۶ م.
۶. ابن دبیع شیبانی، عبدالرحمن بن علی، *قرة العیون باخبار الیمن المیمون*، تحقیق محمد بن علی الاکوع الحوالی، صنعاء، مکتبة ابوذر غفاری، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۸ م.
۷. ابن شیبان، احمد سالم، *الوجود المملوکی فی الیمن (۹۴۵ - ۹۲۱ ق)*، جامعة عدن، دارالثقافة العربية، ۲۰۰۲ م.
۸. ابن لطف الله، عیسی بن شرف الدین، *نسخه خطی روح الروح فیما جرى بعد المائة التاسعة من الفتن والفتوح* (نسخه‌های خطی در اختیار بنده قرار دارد و مورد استفاده قرار گرفت).
۹. ابوالفداء، اسماعیل بن علی، *تقویم البلدان*، قاهره، مکتبة الثقافة الدینیة، چاپ اول، ۲۰۰۷ م.
۱۰. الاکوع، اسماعیل بن علی، *المدارس الاسلامیة فی الیمن*، بیروت، مؤسسة الرسالة / صنعاء، مکتبة الجيل الجديد، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۱۱. ایفانوف، نیکولای، *الفتح العثماني للاقطار العربية ۱۵۷۴ - ۱۵۱۶*، ترجمه یوسف عطاءالله، بیروت، دار الفارابی، چاپ اول، ۱۹۸۸ م.
۱۲. بافقیه، محمد بن عمر الطیب، *تاریخ الشجر و اخبار القرن العاشر*، تحقیق عبدالله الحبشی، صنعاء، مکتبة الارشاد، ۱۴۱۹ ق / ۱۹۹۹ م.
۱۳. بامخرمه، أبو محمد الطیب بن عبدالله بن أحمد، *النسبة إلى المواضع و البلدان*، أبوظبی، منشورات مرکز الوثائق و البحوث، ۱۴۲۵ ق.
۱۴. بامخرمه، أبو محمد الطیب بن عبدالله بن أحمد، *تاریخ ثغر عدن*، قاهره، مکتبة مدبولی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۱ م.
۱۵. بامخرمه، أبو محمد الطیب بن عبدالله بن أحمد، *قلادة النحر فی وفيات اعیان الدهر*، عنی به بوجمه مکری و خالد زواری، جده، دارالمنهاج، چاپ اول، ۱۴۲۸ ق / ۲۰۰۸ م.

- ٧٠ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ٩، پاییز ٩٧، ش ٣٢
١٦. بامطرف، محمد عبدالقادر، *الشهداء السبعة*، بغداد، دار الحربة للطباعة، بإشراف وزارة الثقافة والسياحة بجمهورية اليمن بالتعاون مع حكومة العراق، ١٩٧٤ م.
١٧. بُريهي، عبدالوهاب بن عبدالرحمن، *طبقات صلحاء اليمن (تاريخ التبريهي)*، تحقيق عبدالله محمد حبشي، صنعاء، مكتبة الارشاد، چاپ دوم، ١٤١٤ ق / ١٩٩٤ م.
١٨. جندي، بهاء الدين محمد بن يوسف، *السلوك فى طبقات العلماء والملوك*، تحقيق محمد بن على الاكوع، صنعاء، مكتبة الارشاد، چاپ اول، ١٤١٤ ق / ١٩٩٣ م.
١٩. حجرى يمانى، محمد بن احمد، *مجموع البلدان اليمن وقبائلها*، تحقيق اسماعيل اكوع، صنعاء، دار الحكمة اليمانية، چاپ دوم، ١٤١٦ ق.
٢٠. حداد، محمد يحيى، *تاريخ اليمن السياسى*، قاهره، دار وهدان، ١٣٨٨ ق / ١٩٦٨ م.
٢١. شرحى زييدى، احمد بن عبداللطيف، *طبقات الخواص اهل الصدق الاخلاص*، يمن، داراليمانية للنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٠٦ ق / ١٩٨٦ م.
٢٢. الشُّلى، السيد محمد، *السناء الباهر بتكميل النور السافر فى أخبار القرن العاشر*، تحقيق المقحفى، صنعاء، مكتبة الإرشاد، ٢٠٠٤ م.
٢٣. شَنْبَل، احمد بن عبدالله، *تاريخ حضرموت معروف به تاريخ شَنْبَل*، تحقيق عبدالله محمد الحبشى، يمن، مكتبة صنعاء الاثرية، چاپ دوم، ١٤٢٤ ق / ٢٠٠٣ م.
٢٤. ضمدى، عبدالله بن على، *نسخة خطى العقيق اليمانى فى حوادث ووفيات المخلاف السليمانى*، مخطوط مصور، بى جا، مكتبة جامعه الملك سعود، ١٤٨٨ ق.
٢٥. عبدالعال، محمد، *بنو رسول و بنو طاهر و علاقات اليمن الخارجية فى عهدهما*، اسكندريه، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٨٠ م.
٢٦. العرشى، عبدالحكيم محمد ثابت سلام، *الجيش فى اليمن فى عصر الدولة الرسولية*، بى جا، دار الوفاق الجمهورية اليمانية، الطبعة الاولى، ٢٠١٤ م.
٢٧. عسقلانى، ابن حجر، *إنباء العُمر بانباء العُمر*، تحقيق حسن حبشى، قاهره، احياء التراث الاسلامى، ١٣٨٩.

بررسی جایگاه و کارکرد علمای عصر طاهریان یمن (۹۴۵ - ۸۵۸ ق) □ ۷۱

۲۸. عمشوش، مسعود، *عدن فی کتابات الرحالة الفرنسيين*، عدن، دار جامعة عدن للطباعة والنشر، ۲۰۰۳ م.

۲۹. عیدروس، عبدالقادر بن شیخ بن عبدالله، *النور السافر عن اخبار القرن العاشر*، تحقیق احمد حالو، محمود الارناووط و اکرم البوشی، بیروت، دار صادر، ۲۰۰۱ م.

۳۰. فارتیما، لودفیکو، *رحلات فارتیما*، ترجمه و تحقیق عبدالرحمن الشیخ، قاهره، هیئة المصرية للكتاب، ۱۹۹۴ م.

۳۱. فیصلی، محمد احمد مقل، *تاریخ الدولة الطاهرية (۹۴۵ - ۸۵۸ هـ ق)*، صنعاء، هیئة العامة للكتاب، چاپ اول، ۲۰۰۵ م.

۳۲. قزوینی، زکریابن محمد، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه میرزا جهانگیر قاجار، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۳.

۳۳. کبسی، محمد بن اسماعیل، *اللطائف السنیة فی اخبار الممالک الیمنیة*، تحقیق ابو حسان خالد ابانیزید، صنعاء، مكتبة الجيل الجديد، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق / ۲۰۰۵ م.

۳۴. موسی، محمد علی، «الهجوم البرتغالی علی عدن: قراءة من خلال مذكرات الفونسو دا البوکرک»، *مجلة الیمن*، جمادی الاول ۱۴۲۷ / مایو ۲۰۰۶، العدد ۲۳.

۳۵. نهروالی، قطب الدین محمد بن احمد، *غزوات الجراکسه و الاتراک فی جنوب الجزيرة المسمى البرق الیمانی فی فتح العثماني*، ریاض، منشورات دار الیمامة للبحث والترجمة والنشر، چاپ اول، ۱۳۸۷ ق / ۱۹۶۷ م.

۳۶. همدانی، الحسن بن احمد بن یعقوب، *صفة جزيرة العرب*، تحقیق محمد بن علی الاکوع، صنعاء، مكتبة الارشاد، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۳۷. یحیی بن الحسین، ابن القاسم، *غایة الأمانی فی أخبار القطر الیمانی*، تحقیق سعید عبد الفتاح عاشور، بی جا، دار الکاتب العربی، ۱۹۶۸ م.

38. R, Smith, *The Tahiride sultans (858-923/1454-1517) and their historian Ibn Al-dayba*, journal of semitic studies , 1984.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی